

## دعای روز پنجم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَانِتِينَ  
وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُقْرَبِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ<sup>۱</sup>

خدایا مرا در این روز از توبه و استغفار کنندگان قرار ده و از بندگان صالح مطیع خود مقرر فرما و هم در این روز مرا از دوستان مقرب درگاه خود قرار ده، به حق لطف و رأفت ای مهربان‌ترین مهربانان عالم.

### ترجمه منظوم دعا

عفو و آمرزش ز تقصیر و گناه  
ما گنهکاران و جمع رو سیاه  
ز آب رحمت شوی این حال تباه  
کن تو ما را ای تو رب ما سواه  
مردمان صالح قرب اکتباه  
در مکان قرب بدهی جایگاه  
در بساط خود دهی ما را پناه  
اصل مطلب هست بر ما اشتباه  
از رئیس و لشکر و خیل و سپاه  
کین دعا را کن قبول بارگاه

خواهش ما از جنابت یا اله  
ده قرار از جمله مستغفرین  
ای که قلب بندگان در دست توست  
هم مقرر از عباد صالحین  
همچنین اندر عداد قانتین  
منتهای لطف باشد کز کرم  
در شمار دوستانت بشمیری  
گرچه ما قابل نه ایم آنجا رویم  
هر کسی را مجلسی ماوا بود  
ای خدا بر رأفت و رحمت قسم

۱. اقبال الاعمال؛ ج ۱، ص ۲۶۱.

## فقره اول دعا

اللهم اجعلني فيه من المستغفرين:

خدایا، مرا در این روز از توبه و استغفار کنندگان قرار ده.

توبه و استغفار، یکی از حقایق بلند اسلام و از آموزه‌های مترقی قرآن کریم است که در بیش از هشتاد آیه از قرآن، بر اهمیت آن انگشت تاکید نهاده شده که از آن جمله است:

۱. توبه بهتر است:

«فَإِنْ تَابْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ»<sup>۱</sup>

خداوند خطاب به مشرکان می‌فرماید: اگر توبه کنید، به نفع شماست و اگر سرپیچی نمایید، بدانید شما نمی‌توانید خدا را ناتوان سازید.

۲. خداوند مهربان است:

«وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ»<sup>۲</sup> از پروردگار خود آمرزش بطلبید و به سوی او باز گردید که پروردگارم مهربان و دوست‌دار است.

«وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا»<sup>۳</sup> هرکس کار بدی کند یا به خودش ستم کند، سپس از خداوند آمرزش بطلبد، خداوند را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

۳. خداوند توبه‌پذیر است:

«أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ»<sup>۱</sup> آیا نمی‌دانند که فقط خداوند، توبه را از بندگانش می‌پذیرد؟

۱. توبه: ۳.

۲. هود: ۹۰.

۳. نساء: ۱۱۰.

۴. ناامید نباشید:

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»<sup>۲</sup> بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید، از رحمت خداوند نومید نشوید که خداوند همه گناهان را می‌آمرزد، همانا او آمرزنده و مهربان است.

۵. راه بازگشت برای خطاکاران باز است:

«إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا»<sup>۳</sup> مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، که خداوند گناهان این گروه را به حسنات تبدیل می‌کند و خداوند آمرزنده و مهربان است.

۶. توبه عامل رستگاری:

«تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۴</sup> ای مؤمنان! همگی به سوی خداوند باز گردید، تا رستگار شوید.

«فَأَمَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ»<sup>۵</sup> اما کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، امید است از رستگاران باشد.

۱. توبه: ۱۰۴.

۲. زمر: ۵۳.

۳. فرقان: ۷۰.

۴. نور: ۳۱.

۵. قصص: ۶۷.

۷. سفارش به توبه:

«وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى»<sup>۱</sup> و اینکه از پروردگار خویش آمرزش بطلبید، سپس به سوی او باز گردید، تا به طرز نیکویی شما را تا مدتی معین بهره‌مند سازد.<sup>۲</sup>

توبه واقعی:

توبه چهار شرط اساسی و دو رکن تکمیلی دارد.

چهار شرط عبارتند از:

۱. پشیمانی از گذشته؛
  ۲. تصمیم جدی بر اینکه دوباره به معصیت برنگردد؛
  ۳. ادای حقوق الهی؛
  ۴. ادای حقوق مردم (اعم از مالی، عرضی و بدنی).
- دو شرط تکمیلی به قرار زیر هستند:

۱. چشیدن رنج عبادت؛ ۲. ذوب کردن گوشت‌های روئیده در دوران معصیت.
- اما توبه واقعی و همه جانبه، گستره وسیع‌تر از موارد پیش گفته دارد.
- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«أَتَدْرُونَ مَنْ التَّائِبِ؟ فَقَالُوا: اللَّهُمَّ لَا قَالَ إِذَا تَابَ الْعَبْدُ وَ لَمْ يُرِضِ الْخُصَمَاءَ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يُغَيِّرْ مَجْلِسَهُ وَ طَعَامَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يُغَيِّرْ رُقُقَاءَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يَزِدْ فِي الْعِبَادَةِ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يُغَيِّرْ لِبَاسَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يُغَيِّرْ فِرَاشَهُ وَ سَادَتَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يَفْتَحْ قَلْبَهُ وَ لَمْ يُوسِّعْ كَفَّهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يَقْصُرْ

۱. هود: ۳.

۲. ابراهیم خرمی مشکاتی؛ در آغوش خدا (توبه).

أَمَلُهُ وَ لَمْ يَحْفَظْ لِسَانَهُ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ مَنْ تَابَ وَ لَمْ يُقَدِّمْ فَضْلَ قُوَّتِهِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ فَلَيْسَ بِتَائِبٍ وَ إِذَا اسْتَقَامَ عَلَيَّ هَذِهِ الْخِصَالِ فَذَكَ التَّائِبُ: <sup>۱</sup>

آیا می‌دانید توبه‌کار کیست؟ پس گفتند: به خدا، نه! فرمود: هرگاه بنده‌ای توبه‌کار، شاک‌ها [و طلب‌کارها]ی خود را راضی نکند، توبه‌کار نیست، و کسی که توبه کند و مجلس و غذایش را تغییر ندهد، توبه‌کار نیست، و کسی که توبه کند و رفقای [دوران گناه] خویش را تغییر ندهد، توبه‌کننده نیست، و کسی که توبه کند و بر عبادتش نیفزاید، توبه‌کار نیست، و کسی که توبه کند و لباس [گناه‌آلوده]ش را تغییر ندهد، تائب نیست، و کسی که توبه کند و فرش و تکیه‌گاه [دوران گناه] خود را عوض نکند، تائب نیست، و کسی که توبه کند و قلبش باز نشود (و دریا دل نگردد) و دستش [در انفاق] توسعه نیابد، توبه‌کار نیست، و کسی که توبه کند و آرزوهای [ناروای] خود را کوتاه نکند و زبانش را حفظ نکند، تائب نیست، و کسی که توبه کند و اضافه‌غذای خود را تقدیم [به فقراء] نکند، تائب نیست و هرگاه بر این اوصاف استقامت ورزید، این تائب [کامل و واقعی] است.

### داستان:

علی بن ابی حمزه می‌گوید: من رفیقی از نویسندگان بنی‌امیه داشتم. تقاضا کرد برای او اجازه بگیرم که خدمت حضرت صادق علیه السلام برسد. اجازه گرفتم و با هم شرفیاب شدیم. به حضرت سلام نموده، نشست. آن‌گاه عرض کرد من مدتی امور دفترداری و محاسبه بنی‌امیه را به عهده داشتم. از این کار مقدار زیادی ثروت به هم بسته‌ام که در جمع‌آوری آن اهمیتی به حلال یا حرام بودن نمی‌دادم.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: اگر بنی‌امیه امثال شما را نیابند که بعضی نویسندگی برایشان بکنند، دسته‌ای جمع‌آوری خراج نمایند، عده‌ای هم جزء سپاهیان آنها شوند یا در اجتماعات ایشان شرکت نمایند [به نماز جماعت آنها روند]، هرگز نمی‌توانستند

۱. مستدرک الوسائل؛ ج ۱۲، ص ۱۳۱، ح ۳، باب ۸۷ از باب وجوب اخلاص التوبه؛ بحار الانوار؛ ج ۶، ص ۲۵ -

حق ما را غصب نمایند. اگر مردم آنها را به خود واگذارند و کمک به ایشان نکنند، جز آنچه تصادفاً به دست می‌آورند، دیگر نیرویی نخواهند داشت که حقوق مردم را به ستم بگیرند.

عرض کرد: آقا! اکنون راه نجات یافتن و آسوده‌شدن [راه توبه] من چیست؟ فرمود: اگر راهنمایی‌ات بکنم، دستورم را انجام می‌دهی؟ جواب داد: آری. فرمود: از هرچه در این راه به دست آورده‌ای، چشم بیوش؛ آن مقداری که صاحبانش را می‌شناسی به خودشان برگردان و بقیه را که نمی‌دانی از چه اشخاصی گرفته‌ای، از طرف آنها صدقه بده. اگر این عمل را انجام دهی، من از طرف خدا بهشت را برایت ضمانت می‌کنم. مدتی سر به زیر انداخت و در اندیشه بود.

عاقبت سر برداشته، گفت: آنچه خواستید را انجام خواهم داد. علی بن ابی حمزه گفت: با هم به کوفه برگشتیم. هرچه داشت؛ حتی لباس‌های تنش را خارج نمود و به دستور حضرت صادق علیه السلام عمل کرد [به طوری که بی لباس بود] من از دوستان و مؤمنین پولی گرفته، لباس تهیه نمودم و مقداری برای مخارج روزانه، با لباس‌ها برایش فرستادم. چند ماهی بیش نگذشت که جوان مریض شد، به دیدنش می‌رفتم.

روزی برای عیادت به منزلش وارد شدم، دیدم در حال احتضار است. همین که چشم باز کرده مرا دید، گفت: علی بن ابی حمزه! به خدا حضرت صادق علیه السلام به وعده خود وفا کرد و از دینا رفت. امور تجهیز و تکفین او را عهده‌دار شدیم. پس از درگذشت او خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم. همین که آن جناب مرا مشاهده

کردند، فرمودند: علی! به خدا سوگند، وعده‌ای که به رفیقت دادیم، وفا کردیم. عرض کردم راست می‌فرمایید، خودش نیز هنگام مرگ همین حرف را زد.<sup>۱</sup>

### استغفار:

به ویژه اگر مقید باشیم هر روز به تعداد مشخصی استغفار زبانی کنیم، بسیار خوب است. در روایتی از حضرت صادق علیه السلام آمده:

«مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ سَبْعَ مِائَةِ ذَنْبٍ»<sup>۲</sup>  
هرکس بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار نماید، خداوند هفتصد گناه او را می‌آمرزد.

کسی که زیاد استغفار کند، چهار چیز به دست می‌آورد:

الف) رهایی از غم و غصه: «مَنْ أَكْثَرَ الْاسْتِغْفَارَ جَعَلَ اللَّهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا»<sup>۳</sup>  
خدا غم و غصه را از دل و جان او بر می‌دارد؛ گاهی بدون هیچ دلیلی احساس غم و غصه می‌کنیم، باید استغفار کنیم تا حالمان خوب شود.

ب) احساس امنیت: «وَمِنْ كُلِّ خَوْفٍ أَمْنًا».

انسان از خبرهای هولناک می‌ترسد. مثلاً می‌گویند زلزله‌ای در راه هست و.... اینجا استغفار کن که آن ترس و خوف را برطرف می‌کند و هیچ اتفاقی هم نمی‌افتد.

ج) نجات از تنگناهای زندگی: «وَمِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا».

اگر در مشکلات و گرفتاری‌ها هستیم و حاجتی داریم، استغفار کنیم! البته شرایط استغفار را هم رعایت کنیم.

د) زیاد شدن روزی: «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»<sup>۴</sup>.

۱. فروع کافی؛ جزء پنجم، ص ۱۰۶؛ بند تاریخ؛ ج ۴، ص ۹۴.

۲. وسائل الشیعه؛ ج ۶، ص ۴۸۲.

۳. بحار الانوار؛ ج ۷۴، ص ۱۷۴.

۴. مستدرک الوسائل؛ ج ۵، ص ۲۷۷.

اگر استغفار کنی، خداوند روزی تو را از محلی که گمان نداری، می‌فرستد. مثلاً شمای طلبه هم مباحثه خوب نداری، اگر اهل استغفار باشی، خدا یک هم‌بحث خوب به شما می‌دهد، زن خوب نصیبت می‌شود، همسفر خوب پیدا می‌کنی و... این را هم بدانیم که منظور از رزق، تنها مال و ثروت دنیا نیست؛ بلکه رزق شامل امور معنوی هم می‌شود، رفیق خوب، رزق است. همسفر خوب، رزق است.

### یک استغفار ویژه؟

یکی از اصحاب علی علیه السلام نقل می‌کند: عربی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و عرض کرد: یا مولا! من مردی عیالمند و فقیر هستم و مالی که زندگی مرا کفایت کند، ندارم. حضرت فرمود: ای برادر! چرا استغفار نمی‌کنی تا حالت خوب شود؟ عرض کرد: زیاد استغفار می‌کنم؛ اما تغییری در زندگی‌ام پیدا نشده است. حضرت فرمودند: خدای متعال می‌فرماید:

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً...»<sup>۱</sup> به درگاه خداوند توبه کنید و آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است [استغفار کنید] تا رحمت فراوانش را بر شما فرود آورد و شما را با ثروت و اولاد مدد فرماید و باغ‌ها و نه‌های جاری به شما عطا کند.

یعنی چون به گناه‌بودن بعضی از اعمال آگاه نیستی، استغفار تو ناقص است؛ چون از آنها استغفار نمی‌کنی. سپس فرمود: اینک به تو استغفاری می‌آموزم که اگر آن را بخوانی، خدا به تو وسعت رزق عطا می‌کند. سپس حضرت استغفار هفتاد بند را به ایشان تعلیم نمودند.<sup>۲</sup>

امام حسین علیه السلام فرمود: سال بعد اعرابی به خدمت حضرت آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! خداوند به من نعمت‌های زیادی عطا فرمود. آن‌قدر که محلی برای نگهداریشان ندارم. حضرت فرمودند: ای برادر عرب، قسم به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به نبوت برگزید، بنده‌ای نیست که با این دعا به درگاه خدا استغفار

۱. نوح: ۱۰.

۲. این استغفار اخیراً در قطع‌های جیبی به چاپ رسیده است و در بخش سوم کتاب راه نجات از مؤلف آورده شده است.



کند؛ مگر آنکه خدای متعال به برکت آن گناهانش را آمرزیده، حوائجش را برآورده کند و به مال و اولادش برکت عطا فرماید.

### فقره دوم دعا

وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَانِتِينَ:

و از بندگان صالح مطیع خود مقرر فرما.

خدایا! مرا از بندگان صالح خودت قرار بده؛ مرا فرمانبردار خودت قرار بده. اگر انسان اهل اطاعت خدا باشد، خدا هم او را دوست خواهد داشت.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ<sup>۱</sup>: ای مردم، خدایی را بپرستید که آفریننده شما و مخلوقات قبل از شماست. باشد که پارسا و منزّه شوید.

### جایگاه عبادت:

۱. هدف خلقت: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>۲</sup>: جن و انس را خلق نکردم مگر برای اینکه مرا بپرستند.

۲. رستگاری: قال علی عليه السلام «الْعِبَادَةُ فَوْزٌ»<sup>۳</sup>: عبادت، رستگاری است.

۳. نشانه عنایت خداوند: قال علی عليه السلام «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَتَاهَهُ حُسْنَ الْعِبَادَةِ»<sup>۴</sup>: وقتی خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، خوب عبادت کردن را به او می‌آموزد.

۴. بهترین وسیله تقرب به خدا: قال علی عليه السلام: «مَا تَقَرَّبَ مَتَّقِبٌ بِمِثْلِ الْعِبَادَةِ»<sup>۱</sup>: هیچ چیز مانند عبادت، انسان را به خدا نزدیک نمی‌کند.

۱. یقره: ۲۱.

۲. ذاریات: ۵۶.

۳. غررالحکم؛ ماده عبد.

۴. همان.

## فقره سوم دعا

وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُقَرَّبِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:

خدایا مرا از دوستان نزدیکت قرار بده! به رأفت و مهربانی خودت، ای کسی که رحمتت از همه رحم‌کنندگان بیشتر است.

خداوند دوستان و بندگانی دارد که مقربین درگاه الهی هستند. ایشان "فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ"<sup>۲</sup> هستند. در مقام حضور الهی هستند و در بهشت خاص الهی وارد شده‌اند. خود بهشت مراتب دارد، این گروه که عاشقان الهی بوده‌اند و عبادت ایشان برای خدا بوده، مخاطب این آیه قرآن هستند: «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي»؛<sup>۳</sup> اگر داخل در بندگان خدا شدی، آن‌گاه در بهشت خاص الهی هم وارد خواهی شد.

### سایه خدا بر سر هفت گروه:

روز حساب و واپسین، روز دشوار و سختی است و در چنان روزی، هفت گروه از رحمت خاص و ویژه الهی بهره می‌برند؛ چنان که در حدیث ذیل می‌خوانیم.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ وَ شَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ رَجُلٌ قَلْبُهُ مُتَعَلِّقٌ بِالْمَسْجِدِ إِذَا خَرَجَ مِنْهُ حَتَّى يَعُودَ إِلَيْهِ وَ رَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَاجْتَمَعَا عَلَى ذَلِكَ وَ افْتَرَقَا وَ رَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ وَ رَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ حَسَبٍ وَ جَمَالَ فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ وَ رَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا تُنْفِقُ يَمِينُهُ»<sup>۴</sup>

۱. همان.

۲. قمر: ۵۵.

۳. فجر: ۲۹-۳۰.

۴. خصال: ص ۲۸۰، روایت ۷۱۸.

خداوند در روزی که سایه‌ای جز سایه او وجود ندارد، بر هفت گروه سایه می‌افکند:

۱. پیشوای عادل.
۲. جوانی که با عبادت خداوند رشد کرده است و جوانی را با عبادت گذرانده است.
۳. کسی که دلبسته به مسجد است؛ به گونه‌ای که وقتی از آن خارج می‌شود، منتظر می‌ماند تا برگردد.
۴. دو انسانی که برای خدا، با هم دوستی می‌کنند. پس بر آن محبت الهی جمع می‌شوند و بر همان محور از هم جدا می‌شوند.
۵. مردی که در خلوت‌ها، خدا را یاد کند. پس با یاد خدا از دو چشمش اشک جاری شود.
۶. مردی که زنی دارای مقام و زیبایی، او را به کار خلاف عفت دعوت کند؛ پس جواب او را یوسف گونه بگوید: من از خدای خودم، پروردگار جهانیان که در همه جا حضور دارد، می‌ترسم.
۷. مردی که صدقه‌ای داده است؛ پس آن‌چنان آن را مخفی کرده که گویا حتی دست چپ نفهمیده است آنچه دست راستش انفاق نموده است.

### در آغوش رحمت الهی

در روایت آمده است که مهربانی و رحمت، صد جزء است و در وجود پدر و مادر، یکی از آن صد تا قرار دارد. پس ببینید خداوند چقدر مهربان و رحیم است! فقط کافی است بگویید «خدا» تا در آغوش رحمت الهی جای بگیری. تو اگر یک قدم به سوی خدا قدم برداری، خدا دوان دوان به سوی تو قدم بر می‌دارد:

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۱</sup>

۱. عنکبوت: ۶۹.

در هفت خانه خیر و رحمت خدا نازل نمی‌شود:<sup>۱</sup>

رسول گرامی ﷺ فرمودند: «در هفت خانه خیر و رحمت خدا نازل نمی‌شود:

۱. خانه‌ای که در آن زن را طلاق داده باشد، یا زن نافرمان باشد.
۲. خانه‌ای که در آن به امانت مردم، خیانت شود.
۳. خانه‌ای که خمس مالشان را ندهند.
۴. خانه‌ای که مورد وصیت باشد. (یعنی صاحبخانه وصیت کرده باشد که با این خانه چه بکنند و آنها این کار را نمی‌کنند).
۵. خانه‌ای که در آن شراب خورده شود.
۶. خانه‌ای که زنی در آن زنا بدهد.
۷. خانه‌ای که در آن، زن به مال شوهر خیانت می‌کند. (یعنی از مال شوهر بدزدد).